

درآمدی بر مفاهیم فرهنگ دینی

سید علیرضا هاشمی*

hashemi@radioresearch.ir

ماکس وبر دانشمند بزرگ علوم اجتماعی معاصر درباره اهمیت اجتماعی، فرهنگی دین و مطالعات اجتماعی، فرهنگی دین می‌گوید: "واقعیت این است که ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و حقوقی از دیرباز تحت تأثیر اعتقادات دینی مردم قرار داشته‌اند. این یکی از آنتن‌های حساسیت انسانی است و بی‌اعتنا بودن به آن محکوم کردن خود به نفهمیدن پدیده فرهنگ است." (فرونه، ۱۳۶۲: ۴۲)

"پل تیلیش" دین پژوه برجسته معاصر نیز با تأکید بر پیوند ناگسستنی میان "دین" و "فرهنگ" بر این عقیده است که میان دین و فرهنگ نوعی پیوند محتوایی وجود دارد. به نظر وی فرهنگ بدون دین ممکن نیست. از دیدگاه "تیلیش" پیوند فرهنگ و دین مانند

پیوند "صورت" (Form) و "محتوا" (Content) در هنر است بر این اساس صورت دین "فرهنگ" است و محتوای فرهنگ "دین" می‌باشد. به نظر تیلیش وضعیت بشری در طول تاریخ همواره پرسش‌هایی را برانگیخته است که فرهنگ‌های گوناگون آن را به شیوه‌های مختلف بیان داشته‌اند و "سنت‌های دینی" گوناگون نیز پاسخ‌های گوناگونی به آنها داده‌اند. (بشریه، ۱۳۷۷: ۲۶)

تأکیدات این دو اندیشمند برجسته معاصر نشان می‌دهد که "دین" بخش مهم "فرهنگ" محسوب می‌شود و میان این دو، پیوند ناگسستنی وجود دارد. این امر برای علوم اجتماعی که عمدتاً با بررسی و مطالعه جنبه‌های گوناگون فرهنگ سروکار دارد و به طور خاص برای "مردم‌شناسی" که کانون اصلی و محوری آن مطالعه و پژوهش درباره "فرهنگ" از جمله "فرهنگ دینی"

* کارشناس ارشد مردم‌شناسی

Religious culture است،
حائز اهمیت فراوانی است.

با توجه به اهمیت
دین‌پژوهی طی دوسده اخیر
به ویژه سده ۲۰ میلادی،

“رهیافت مردم‌شناسی دین” به عنوان یکی از
هفت رهیافت معتبر دین‌پژوهی جایگاه خاصی در
ادبیات و مطالعات دین‌پژوهی معاصر یافته است

دین” به عنوان یکی از
هفت رهیافت معتبر
دین‌پژوهی جایگاه خاصی
در ادبیات و مطالعات
دین‌پژوهی معاصر یافته

است. نظر به اهمیت این جایگاه، در ادامه به موضوع
دین و نهاد دین بعنوان یکی از نهادهای اصلی جامعه
خواهیم پرداخت، سپس به ویژگیهای نهادی دین و
مفاهیم کلیدی فرهنگ دین در مطالعات مردم‌شناسی و
جامعه‌شناسی می‌پردازیم.

دین

جامعه‌شناسان دین را از نوع نهادهای اصلی و اساسی
می‌دانند که عمومیت و ضرورت جهانی دارند و برآنند
که در بین هر قوم و ملت و در هر عصر و زمانی دین
بنابر نیاز جامعه و به مقتضای محیط زیست و تحول
فکری آدمیان به صورت و نوعی تجلی می‌کند.
(طیبی، ۱۳۶۴: ۱۹۷) تمام جوامع انسانی دارای عقایدی
هستند که می‌توان آنها را تحت عنوان مذهب یا دین
طبقه‌بندی کرد. این عقاید از فرهنگی به فرهنگ دیگر
متفاوت است، هرچند در بسیاری از آنها شباهتهای
زیادی نیز وجود دارد. در هر صورت، بدون توجه به

رهیافت‌ها و رویکردهای علمی معرفتی گوناگونی برای
مطالعه و بررسی دین، فرهنگ‌دینی و ابعاد گوناگون
باورداشت‌ها و رفتارهای دینی شکل گرفته است. یکی
از شاخه‌های این ادبیات دین‌پژوهی “دایره‌المعارف
دین” (۱۹۸۷) است. این دایره‌المعارف نوشته ۱۴۰۰
دین‌پژوه است و دارای ۲۷۵۰ مقاله اصلی در ۱۶ جلد و
مجموعاً ۸ هزار صفحه می‌باشد و توسط دین‌پژوه
معاصر “میرچالیاده” ویراسته شده است.
(خرمشاهی، ۱۳۶۷، ۶۱۸-۶۰۷)

چندین رهیافت دین‌پژوهی عمده در این
دایره‌المعارف وجود دارد که عبارتند از: رهیافت
مردم‌شناسی دین، رهیافت جامعه‌شناسی دین، رهیافت
روان‌شناسی دین، رهیافت روان‌کاوی دین، رهیافت
باستان‌شناسی دین، رهیافت تاریخی دین و رهیافت
پدیدارشناسی دین. (الیاده، ۱۳۷۵، پیشگفتار: ۱۹)
به طوری که ملاحظه می‌شود، “رهیافت مردم‌شناسی



سیاسی منطبق بر جامعه دینی می شده است و رئیس سیاسی یک قوم ریاست دینی را نیز بر عهده داشته است. (مهجوی، ۱۳۴۰: ۱۰۷)

باید اشاره نمود که جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان به موضوع مذهب و دین تنها به عنوان یکی از نهادهای جوامع بشری علاقه‌مند هستند و موضوع وجود خدا برای آنان مطرح نیست، زیرا خارج از حیطه و هدف کار آنها قرار دارد و آن را در صلاحیت خداشناسان و دانشمندان علوم الهی و فیلسوفان می‌دانند. جامعه‌شناس در عوض می‌کوشد این نکته را روشن سازد که چرا مردم به موجودات ماوراءالطبیعه عقیده دارند و این عقیده در رفتار و کردارشان تا چه اندازه مؤثر است. کم و بیش دانشمندان اجتماعی در این نکته اتفاق نظر دارند که عقیده به قوای

اختلاف عقیده پیرامون اشیای ماوراءالطبیعی، مذهب را می‌توان مجموعه‌ای از نظریات، عقاید و اعمال و رویه‌هایی دانست که با قدرتهای ماوراءالطبیعی (خدایان و ارواح یا شیاطین) ارتباط دارند. (عسکری خانقاه و شریف کمالی، ۱۳۷۸: ۴۷۵) با این حال این نظر که ادیان جوامع ابتدائی و پیشرفته دارای صفات عمومی مشترکی هستند، نظریه‌ای همگانی است. این صفات عمومی مشترک عبارتند از:

- وجود نیروی برتر (خدا یا خدایان از هر قبیل مادی و روحانی)
 - وابستگی معنوی افراد به جامعه و معتقدات ناشی از آن (یعنی هرکس در رعایت مراسم و مناسک و معتقدات دینی پایبند اعتقاد عمومی جامع خود است).
 - تعصب و تعبد نسبت به مقررات و سنن دینی و ترس از تخلف و سرپیچی از احکام و نظامات آن.
 - روحانیت و فضیلت (طبیعی، ۱۳۶۴: ۱۹۷ و ۱۹۸)
- به علاوه ادیان دارای بعضی خصوصیات اند که کم و بیش عمومیت دارند، مانند: تأثیر دین در تمام شئون اجتماعی اعم از مسائل هنری، علمی، ادبی و جز آن، و دین همیشه به یک جمعیت و در اصطلاح مذهبی به یک امت تعلق دارد. به همین دلیل در گذشته غالباً جامعه

ما فوق طبیعت طوری در میان جامعه بشری رسوخ یافته که می توان کم و بیش آن را "طبیعی" دانست لکن در تفسیر و توضیح نظر خودشان همداستان نیستند. (کینک، ۱۳۵۵: ۱۴۲)

نهاد دین

بروس کوئن در کتاب

"درآمدی بر جامعه شناسی" این تعریف را از "نهاد" ارائه داده است: "نهاد نظام سازمان یافته و پایداری از الگوهای اجتماعی است که برخی رفتارهای تأیید شده و یک نواختی را در جهت برآورده ساختن نیازهای بنیادی جامعه ایجاب می کند." در هر جامعه ای پنج نهاد اجتماعی بنیادی وجود دارد. این نهادها عبارتند از: نهاد خانواده، نهاد آموزشی، نهاد اقتصادی، نهاد حکومتی و نهاد مذهبی که هر کدام از این نهادها کارکردها و مسئولیت های معینی دارند که به افراد جامعه واگذار می شوند. (کوئن، ۱۳۷۰: ۱۱۰)

کوئن ویژگی های اساسی یک "نهاد اجتماعی و فرهنگی" را از این قرار می داند: هدف اصلی هر نهاد برآوردن نیازهای اجتماعی خاص است. نهادها ارزش های غایی اعضایشان را متبلور می سازند. نهادها به

در هر جامعه ای پنج نهاد اجتماعی بنیادی وجود دارد. این نهادها عبارتند از: نهاد خانواده، نهاد آموزشی، نهاد اقتصادی، نهاد حکومتی و نهاد مذهبی که هر کدام از این نهادها کارکردها و مسئولیت های معینی دارند که به افراد جامعه واگذار می شوند.

نسبت پدیدارند، چندان که الگوهای رفتاری جا افتاده در نهادها به صورت بخشی از سنت فرهنگی یک جامعه در می آیند. مبانی اجتماعی نهادها چندان گسترده اند که فعالیت هایشان پهنه وسیعی از جامعه را می پوشانند؛ هر تغییر چشم گیری در یک

نهاد، احتمالاً دگرگونی هایی در نهادهای دیگر به بار می آورد. گرچه نهادها به یکدیگر وابسته اند ولی هر نهادی بر محور یک رشته هنجارها، ارزش ها و الگوهای رفتاری مورد انتظار و به شدت ساختارمند، سازمان یافته است و بالاخره این که آرمان های یک نهاد، معمولاً پذیرفته شده اکثریت عظیمی از اعضای جامعه است، حال چه آنها در این نهاد به طور عملی مشارکت داشته باشند و چه نداشته باشند. (همان: ۱۱۱)

ویژگی های نهادی دین

"دین" نیز به عنوان یک "نهاد اجتماعی، فرهنگی" مهم علاوه بر این که دارای این ویژگی های عام می باشد، ویژگی ها و مشخصه های منحصر به فردی را نیز داراست که آن را از سایر نهادهای جامعه مجزا می سازد. "د. دریسler" و "وی. ام. ویلیز" در کتاب "جامعه شناسی"

ویژگی های اصلی و منحصر به فرد "نهاد اجتماعی، فرهنگی دین" را این گونه ذکر می کنند:

الف- عقاید (Bellifs)

که در شکل آیین ها، آموزه ها و اصول ایمانی ادیان بیان می گردد. منبع این عقاید مقدس، کتب مقدس ادیان است نظیر تورات (یهودیت)، انجیل (مسیحیت)، قرآن (اسلام)، اوپانیشادها (بودیزم)، اوستا (زرتشت گروی) و ... این عقاید هم به صورت "مکتوب" و هم "شفاهی" به پیروان ادیان انتقال داده می شود.

ب- سلسله مراتب (Hierarchy)

عموماً هر کدام از ادیان جهانی نظیر یهودیت، مسیحیت و اسلام از سلسله مراتب سازمان یافته ای برای پاسداری، گسترش و تقویت دین برخوردارند، نظیر دستگاه روحانیت در ادیان جهانی که ذکر شد.

ج- نمادها (Symbols)

برای انتقال محتوا و مفهوم دین معمولاً اشیاء و یا کلماتی که تبلور دهنده محتوای دین هستند انتخاب می شوند، نظیر صلیب در مسیحیت یا هلال در اسلام .

د- شعائر و مناسک (Ritual)

در هر کدام از ادیان، پیروان دین موظف به انجام اعمال و رفتارهایی هستند که دین تجویز کرده است. نظیر روزه، نماز، دعا کردن، برپایی جشن های مذهبی، برگزاری مراسم ازدواج، خاکسپاری و مانند آن.

ه- هنجارهای مثبت و منفی (Norms)

در هر کدام از ادیان، پاره ای از اعمال و رفتارهای مقبول و پاره ای نیز نامقبول است. نظیر غسل تعمید در مسیحیت (هنجار مقبول و مثبت) و گناه (هنجار منفی).

و- فرقه (Sect)

هر کدام از ادیان معمولاً دسته ها و تقسیمات گوناگون دارند که از دین اصلی نشئت گرفته است. مانند فرقه های سه گانه مسیحیت، یا فرق اسلامی. (علیزاده، ۱۳۷۷: ۵۳)

- مفاهیم کلیدی در مطالعات و فرهنگ دینی

همانطور که اشاره شد جامعه از پنج نهاد اجتماعی بنیادی تشکیل شده که یکی از آنها نهاد مذهبی است؛ از این رو در مطالعات مردم شناسی دینی مفاهیم کلیدی ذیل مورد توجه است:

دین (Religion)

آلن بیرو در "فرهنگ علوم اجتماعی" می نویسد: "می توان دین را همچون گرایش شدید انسان ها به سوی وجود والای خداوند، یا نیروهای برین و یا احساس ساده وابستگی به آنان، به منظور تبیین علل وجودی خویش در جهان و بازیابی معنایی برای هستی، دانست. در نتیجه دین، اعتقادات نسبت به این واقعیت ها و اشکالی که به خود می گیرند مناسک، کیش ها و اعمال گوناگون مذهبی را مشخص می دارد. (بیرو، ۱۳۷۰: ۳۲۰)

آبرکرامی نیز در تعریفی که از دین داده است از دو



از این پیروزی به دست آمده است که بتواند به طریقی مداوم، همان عملیاتی را که از موفقیت برخوردار بوده‌اند، تکرار کند، چه ثبات (این اعمال) شرط بقای آنان است (آن قوم یا گروه). اهمیت رسم در اینجاست که باز شروع مستمر چیزی است که از موفقیت برخوردار بوده و آن‌طور که اغلب گفته می‌شود نمی‌تواند آن را رفتاری تابع شیوه‌های قدیمی یا عاداتی نیندیشیده به حساب آورد. رسوم، رفتارهایی جمعی هستند که علی‌رغم ناکامی‌ها، تجدید و تکرار می‌شوند و نمی‌توان آنان را تکرار کم و بیش آگاهانه یک عرف و عادت، توسط همگان تلقی کرد. رسمی که جز تداوم یک عرف متداول نباشد خیلی زود به جهت ناکامی‌ها محو خواهد شد. (بیرو، ۱۳۷۰: ۷۹)

دیدگاه دین را بررسی و تعریف کرده است: در جامعه‌شناسی به طور مجازی دو تلقی در مورد تعریف دین وجود دارد. اولی به پیروی از "دورکهم" (۱۹۱۲) که آن را از نظر آثار و وظایف اجتماعی‌اش تعریف می‌کند: "دین دستگاهی از باورها و آداب است، در رابطه با مقدساتی که مردم را به صورت گروه‌های اجتماعی به یکدیگر پیوند می‌دهد. در معنی کردن دین با این تلقی، بعضی جامعه‌شناسان مفهوم آن را بسط داده و دین را دربرگیرنده ملیت‌گرایی نیز به حساب آورده‌اند." تلقی دوم به پیروی از "ماکس وبر"، دانشمند الهیات "پ. تلیچ" دین را به عنوان هر مجموعه مفروضی از پاسخ‌های محکم و منسجم و معماهای هستی بشر - مانند تولد، ناخوشی یا مرگ- که معنایی برای جهان و زندگی به وجود می‌آورند، تعریف می‌کند. (آبرکرامبی و دیگران، ۱۳۶۷: ۳۲۰)

رسوم (Custom)

معمولاً رسم را به عنوان عادت‌ی که جزو آداب و رسوم گردیده تعریف می‌کنند. با توجه به این که عادت، خود آمادگی مکتب از طریق تکرار اعمالی یکسان را می‌رساند؛ چنین تعریفی امکان درک ویژگی‌های خاص رسوم را در جوامع سنتی فراهم نمی‌سازد. زمانی که یک گروه انسانی توانست در محیطی رسوخ کند و با توسل به مجموعه‌ای از فنون، جایی برای خود باز کند، شرط اول در حراست

آبرکرامبی نیز اصطلاح
"رسم" را از دیدگاه
مردم‌شناسی این‌گونه تعریف
می‌کند: "این اصطلاح عمدتاً
در مردم‌شناسی به کار می‌رود
و بر سیاق‌های جا افتاده
رفتار و معتقدات دلالت

شیوه زندگی و به خصوص روش‌ها و فنونی نیز
که امکان موقعیت در محیطی خاص را فراهم
ساخته‌اند، از طریق سنت‌ها، به نسل‌های دیگر
انتقال می‌یابند

تعریف را از "آداب و رسوم"
ارائه داده است: "به طور
کلی، آداب و رسوم، شامل
شیوه‌های زندگی، عادت و
رسوم خاص یک ملت، مردم
و یا یک جماعت می‌شود.
آداب و رسوم همچنین

می‌کند. اطلاق رسوم هم در مورد امور معمول زندگی
روزانه و هم برای ویژگی‌های ممیزه‌ای که سبب تمیز
یک فرهنگ از فرهنگ دیگر می‌شود به کار
می‌رود." (آبرکرامبی و دیگران، ۱۳۶۷: ۱۰۲)

آداب (Ritual)

به نظر آبر کرامبی آداب در مردم‌شناسی عبارت است
از: هر گونه اعمال تشریفاتی که از الگوهای موضوعه
پیروی می‌کند و از طریق نمادها (ایضاً منظور همگانی یا
مابه‌الاشتراکی را می‌رساند، جزو آداب به حساب آورده
می‌شود. آداب به طور سطحی جنبه‌های عملی یک
دستگاه مذهبی را تشکیل می‌دهد. ارزش‌های قداستی را
به بیان و نمایش در می‌آورد و معمولاً حصول نیت
منفعت طلبانه و دنیایی را منظور نظر قرار نمی‌دهد.

(همان: ۳۲۲)

۴- آداب و رسوم (Mores)

آلن بیرو در کتاب "فرهنگ علوم اجتماعی" این

دارای ابعاد الزام و رضای عمومی شرکت‌کنندگان در
حیات اجتماعی نیز هست." (بیرو، ۱۳۷۰: ۲۳۲)

۵- آیین‌ها و آداب اجتماعی (Social Manners)

به نظر "آلن بیرو" این مفهوم برای نشان دادن
رفتارهایی که برطبق عرف و عادت صورت می‌گیرند به
کار می‌رود. لیکن، آیین‌ها و آداب اجتماعی به کاربرد و
رعایت عادات و عرف در بعد مادی آنان نظر دارند. در
این مضمون، مستقیماً وجدان افرادی که آیین‌ها و آداب
اجتماعی را به انجام می‌رسانند، مطمع نظر قرار نمی‌گیرد،
هرچند که از این بعد نیز به طور کامل غفلت نمی‌شود.

(همان: ۳۶۴)

۶- سنت (Tradition)

این مفهوم یکی از ستون‌های فضای مفهومی فرهنگ
است و در حقیقت تشکیل دهنده بخش عمده‌ای از
فرهنگ و همچنین "فرهنگ دینی" می‌باشد. آلن بیرو در
کتاب "فرهنگ علوم اجتماعی" این تعریف را از "سنت"

ارائه نموده است: "از ریشه لاتینی (Tradition) به معنای عمل "بازپس دادن" و "انتقال" گرفته شده است. انتقال میراث فرهنگی خاص

هر جامعه دارای نوعی گستره تاریخی است که موجبات تماس بین تجربیات انباشته در گذشته یا زمان حال را فراهم می‌سازد

امور دینی، مشخص می‌شود. تعریفش بسیار دشوار است و واژه متقابل آن Profance (امر غیرمقدس) است. هم‌چنان که در برابر

گروهی ویژه در طی نسل‌هاست. اولین حامل سنت، زبان محاوره و حافظه جمعی و فردی است. پس از آن زبان مکتوب، سنت انتقال درست سلوک و رفتار جمعی است که موجب بقای گروه را فراهم می‌سازد. همچنین شیوه زندگی و به خصوص روش‌ها و فنونی نیز که امکان موقعیت در محیطی خاص را فراهم ساخته‌اند، از طریق سنت‌ها، به نسل‌های دیگر انتقال می‌یابند. لیکن چون تجربه گروه تنها محدود به موفقیت‌های مادی آن نیست، سنت انتقال تجربه اجتماعی و معنوی گروه و همچنین مجموع آداب و رسوم، باورها و ارزش‌ها و آرمان‌های غالب را نیز موجب می‌شود." (همان: ۴۳۲)

واژه حیات دینی، حیات غیردینی و عادی، قرار می‌گیرد. امر مقدس دارای تجلیات فوق طبیعی است که از خلال یک واقعیت غیرمقدس و متمایز از امور مقدس و با احساس ترس و ستایش نسبت به مقام خداوندی و یا نیروهای برین که دارای تقدس شمرده می‌شوند به منصفه ظهور و بروز می‌رسند. امر مقدس همچون دنیایی است منفک از دنیای معمولی (غیرمقدس) که تماس با آن به طور اساسی ممنوع است و بروز و ظهور آن مستلزم داشتن باورهای دینی است." (همان: ۳۲۹)

۸- میراث فرهنگی (Cultural Heritage)

(Cultural Legacy)

در کتاب "فرهنگ علوم اجتماعی" این تعریف از "میراث فرهنگی" ارائه شده است: "میراث عبارت است از داده‌های برونی که انتقال آن از طریق جانشینی صورت می‌پذیرد. در مواردی چند به صورتی بالنسبه مبهم برای نشان دادن آنچه در یک محیط اجتماعی از طریق شیوه‌های چون جانشینی منتقل می‌شود از واژه میراث

۷- امر مقدس (Sacred) و امر نامقدس (Profance) از دیدگاه مردم‌شناسی دین (و همچنین جامعه‌شناسی دین) تعریف مفهوم "امر مقدس" به شرحی است که آلن بیرو آن را در کتاب "فرهنگ علوم اجتماعی" آورده است: "واژه‌ای است بسیار متداول که با آن ویژگی‌های

فرهنگی و یا حتی میراث اجتماعی استفاده می‌شود. میراث هر آن چیزی است که هر نسل به ارث می‌گذارد و به نسل بعد انتقال می‌دهد. هر جامعه دارای نوعی گستره تاریخی است که موجبات تماس بین تجربیات انباشته در گذشته یا زمان حال را فراهم می‌سازد. ساخت‌ها، نهادها و برخی از ارزش‌ها، واقعیاتی هستند که بر ورای نسل‌ها دوام می‌یابند و فنون و دانستنی‌ها نیز از همین ویژگی برخوردارند. میراث فرهنگی همچون ثروتی فرهنگی و به ارث رسیده از نیاکان، از طریق سنن و یا انتقال ارادی به نسل‌های بعد می‌رسد و به عنوان آورده‌ای از گذشته در فرهنگ حال تجلی می‌یابد. (همان: ۷۶)

۹- شعائر و مناسک (Ritual)

پانوف و پرن در کتاب "فرهنگ مردم‌شناسی" شعائر و مناسک را این‌گونه تعریف کرده‌اند: "مراد از Ritual مجموعه‌ای از سخنان برزبان آمده، حرکات انجام یافته و موضوعات و اشیائی دست‌کاری شده است که دقیقاً مورد جمع‌آوری و تدوین قرار گرفته و به باور مربوط به حضور فعال و مؤثر موجودات مافوق طبیعی ارتباط می‌یابد. بدین‌گونه است که مثلاً مذهب می‌تواند با تکیه بر اعتقاد به موجودات مافوق طبیعی، با تکیه بر بعضی از رفتارهای تأثیرپذیر و هیجان‌آور در برابر این موجودات و نیز با تکیه بر طریقه معینی برای تماس با آنها تعریف و

مشخص شود و این طریقه تماس همان شعائر (Ritual) است." (پانوف و پرن، ۱۳۶۸: ۳۲۱)

از آنجا که مراسم مذهبی راهی است که شخص به وسیله آن با تقدس ارتباط می‌یابد، مراسم نه تنها راهی برای تقویت گروه اجتماعی و تسکین هیجانها و اضطرابهاست بلکه طریقه‌ای است که در آن برای حوادث و وقایع مهم آیینهای خاصی برگزار می‌شود و پذیرش اموری مانند مرگ و میر برای افراد جامعه آسان‌تر می‌شود. از این رو مردم‌شناسان مراسم مختلف را طبقه‌بندی کرده‌اند که در میان آنها "مناسک گذار" (rites of passage) و "مراسم تقویت و تشدید" (rites of intensification) از اهمیت خاصی برخوردارند.

(عسکری خانقاه و شریف کمالی، ۱۳۷۸: ۴۸۴)

پانوف و پرن در کتاب "فرهنگ مردم‌شناسی" این تعریف را از "مناسک گذار" ارائه نموده‌اند: "اصطلاحی است که در سال ۱۹۰۹ توسط وان ژنپ (Van Gennep) ساخته شده و عمومیت یافته است. این اصطلاح برای مشخص کردن مراسم و مناسکی است که عبور یک شخص را از حالتی به حالتی یا از پایگاهی به پایگاه دیگر فراهم کرده یا همراهی می‌کنند. مناسک گذار مختص دفع خطرات مافوق طبیعی از شخص مورد نظر یا کل جامعه است که حالت پیشین و حالت جدید آن به وجود خواهد آورد. همه مراحل بحرانی زندگی انسان

(تولد، بلوغ، ازدواج، مرگ و غیره) به وسیله مناسک گذار مشخص شده‌اند. (پانوف و پرن، ۱۳۶۸: ۲۸۹)

مراسم تقویت و تشدید نیز مراسمی است که حوادث بحرانی را در زندگی گروه- و نه خود- مشخص می‌کند. طبیعت بحران هر چه باشد مانند بارندگی کم، که باعث عدم تولید محصول می‌شود، ظهور ناگهانی دشمنان برای جنگ و سایر عوامل موجب اضطراب جامعه، از طریق انجام مراسمی خاص کاهش می‌یابد. هدف این مراسم اتحاد میان مردم و در نتیجه کاهش اضطراب و جایگزینی تعادل و آرامش در آنان است. (عسکری خانقاه و شریف کمالی، ۱۳۷۸: ۴۸۵)

درباره مناسک تقویت در کتاب "انسان‌شناسی فرهنگی" نیز تعریف زیر ارائه شده است: "مناسک تقویت کلیه رفتارها و آدابی است که معطوف به طبیعت یا کل جامعه می‌شود و هدف آن تحکیم یا تقویت فرایندهای طبیعی است که برای بقای جامعه ضرورت دارد. (بتیس و پلاک، ۱۳۷۵: ۶۸۱)

منابع:

آبرکرامبی، نیکلاس و دیگران، "فرهنگ جامعه‌شناسی"، ترجمه حسن پویان، تهران: چاپخش، ۱۳۶۷.
الیاده، میرچا، "دین پژوهی"، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات

فرهنگی، ۱۳۷۵.

بشیری، حسین، "سازش‌ها و ستیزه‌های مذهب و تجدد در غرب"، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۲۶-۱۲۵، ۱۳۷۶

بتیس، دانیل و پلاک، فرد، "انسان‌شناسی فرهنگی"، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی، ۱۳۷۵.

بیرو، آلن، "فرهنگ علوم اجتماعی"، ترجمه باقر ساروخانی، چاپ دوم، تهران: کیهان، ۱۳۷۰.

پانوف، میشل و پرن، میشل، "فرهنگ مردم‌شناسی"، ترجمه اصغر عسکری خانقاه، تهران: ویس، ۱۳۶۸.

طیبی، حشمت‌الله، "مبادی و اصول جامعه‌شناسی" چاپ هفتم، تهران: کتابفروشی اسلامی، ۱۳۶۴.

عسکری خانقاه، اصغر و شریف کمالی، محمد "انسان‌شناسی عمومی" تهران: سمت، ۱۳۷۸.

علیزاده، سکینه، "درآمدی بر مطالعات مردم‌شناسی دینی" نمایه پژوهش، شماره ۶-۵، تابستان، ۱۳۷۷.

فروند، ژولین، "جامعه‌شناسی ماکس وبر"، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نیکان، ۱۳۶۸.

کوئن، بروس "درآمدی بر جامعه‌شناسی"، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر فرهنگ. معاصر، ۱۳۷۰.

کنیک، ساموئل، "جامعه‌شناسی" ترجمه مشفق کاشانی، تهران، کتابهای سیمیرغ (امیرکبیر)، ۱۳۵۳.